

کنترل جمعیت از منظر فقه امامیه؛ تحلیل فقهی-قرآنی

خدیدجه کبری^۱، زهرا قبله^۲

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی و تحلیل فقهی موضوع کنترل جمعیت و کاهش نرخ تولد در جوامع اسلامی به‌ویژه از منظر فقه امامیه نوشته شده است. مسئله کنترل جمعیت که بااستناد به الزامات اقتصادی و اجتماعی در سطح جهانی مطرح می‌شود در مقاله حاضر باتکیه بر آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) بررسی فقهی شده است. با تحلیل دیدگاه‌های موافقان و مخالفان این سیاست، دلایل هردو گروه تحلیل و تعارضات ظاهری میان ادله نقلی رفع شده است. مقاله حاضر نشان می‌دهد که در نگاه اولیه فقه امامیه، افزایش نسل، امری مطلوب و مؤکد روایی است، اما باتوجه به اصل ولایت فقیه و قاعده مصلحت، امکان صدور حکم ثانوی ازسوی حاکم اسلامی در شرایط خاص وجود دارد. درنهایت، باتوجه به نبود حکم ثانوی الزام‌آور در شرایط فعلی، حکم اولیه یعنی، استحباب کثرت نسل، همچنان معتبر و مورد تأیید شرع شمرده می‌شود.

واژگان کلیدی: کنترل جمعیت، فقه امامیه، حکم اولیه، حکم ثانوی، تعارض ادله، روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، سیاست جمعیتی.

۱. دانش پژوه کارشناسی فقه و اصول، از کشور بنگلادش، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. دکتری فقه مقارن، مربی و مدیر گروه علمی تربیتی فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

مسئله کنترل جمعیت و کاهش نرخ فرزندآوری یکی از مهمترین مباحث جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی جهان معاصر است که در دهه‌های اخیر در سطح جهانی و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به صورت جدی مورد توجه قرار گرفته است. این سیاست که بیشتر از سوی مراکز برنامه‌ریزی بین‌المللی و با تأثیر ملاحظات اقتصادی، منابع زیست‌محیطی و موازنه‌های سیاسی توصیه می‌شود به شکل‌های گوناگون در جوامع مختلف پیاده‌سازی شده و نتایج متفاوتی نیز به همراه داشته است. جهان اسلام و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران نیز از این سیاست‌ها بی‌تأثیر نمانده و در برهه‌هایی از تاریخ معاصر برنامه‌های گسترده‌ای برای کاهش جمعیت اجرا کرده‌اند. سیاست‌های کنترل جمعیت همواره مورد چالش جدی از سوی اندیشمندان اسلامی قرار داشته است؛ زیرا این برنامه‌ها نه تنها تبعات فرهنگی و اجتماعی قابل تأمل دارند، بلکه از منظر آموزه‌های دینی نیز با پرسش‌های بنیادین مواجه هستند.

از منظر فقه امامیه که مبتنی بر قرآن، سنت، عقل و اجماع است مسئله تولید نسل و تکثیر اولاد از ارزش‌های مورد توصیه شمرده می‌شود. با توجه به اقتضائات زمانی و مصالح اجتماعی، امکان طرح و اعمال حکم ثانوی در شرایط خاص از سوی حاکم اسلامی نیز وجود دارد. هدف پژوهش حاضر، ارائه تصویری روشن از جایگاه این مسئله در فقه امامیه با بررسی دیدگاه‌های فقهی پیرامون کنترل جمعیت و تحلیل آیات و روایات مرتبط است و با رفع تعارضات ظاهری میان متون دینی به تبیین حکم اولیه و جایگاه حکم ثانوی در این موضوع می‌پردازد.

۲. پیشینه تحقیق

مطالعه موضوع کنترل جمعیت در بستر مطالعات دینی و فقهی در دهه‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران متعددی قرار گرفته است. برخی از آثار موجود با تأکید بر ضرورت کنترل جمعیت آن را راهکاری عقلانی و الزامی برای مقابله با چالش‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی دانسته‌اند. گروه دیگری از اندیشمندان، این سیاست‌ها را برخاسته از اهداف سیاسی و ایدئولوژیک

دانسته‌اند که با آموزه‌های اسلامی در تعارض است. ازجمله آثار مهم در مخالفت با کنترل جمعیت می‌توان به کتاب کاهش جمعیت، کنترل سهمگین بر پیکر اسلام اثر علامه سید محمد حسین حسینی تهرانی اشاره کرد که با رویکردی انتقادی نسبت به سیاست‌های جمعیتی جهان معاصر این برنامه‌ها را مغایر با مبانی اسلامی می‌داند. مقاله تأثیر آموزه‌ها و فتوای شیعه در رشد و کنترل جمعیت نوشته دکتر محمدعلی علیبی به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فقهی در مورد سیاست‌های جمعیتی پرداخته است.

برخی مقالات و گزارش‌ها مانند پژوهش علی‌رضا خانی در مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی (۱۳۷۷) بانام نگاهی به عوامل جامعه‌شناختی رشد جمعیت در ایران یا گزارش بی‌نا (۱۳۷۸) بانام از کنترل رشد بی‌رویه جمعیت چه خبر؟ با تمرکز بر تحلیل‌های جمعیت‌شناختی بر ضرورت اجرای سیاست‌های کنترلی تأکید دارند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع پیشین تلاش دارد با رویکردی تحلیلی و اجتهادی، مسئله کنترل جمعیت را از منظر فقه امامیه واکاوی کرده و با بررسی مستندات قرآنی و روایی، جایگاه حکم اولیه و حکم ثانوی را در این باره تبیین کند.

۳. دیدگاه موافقان کنترل جمعیت

گروهی از اندیشمندان و صاحب‌نظران باتوجه به مقتضیات اجتماعی و شرایط اقتصادی، کنترل جمعیت را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. این دسته با اتکا به مبانی عقلی، تجربیات جهانی و حتی مستنداتی از آیات و روایات سعی در مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های کاهش موالید دارند.

۳-۱. ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی کنترل جمعیت

۳-۱-۱. محدودیت منابع اقتصادی و ناتوانی دولت در تأمین نیازهای اساسی

با افزایش بی‌رویه جمعیت، دولت‌ها از تأمین نیازهای اولیه مانند غذا، مسکن، بهداشت و آموزش بازمی‌مانند. براساس اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف به تأمین رفاه عمومی و برطرف کردن فقر و تبعیض است. در شرایط جمعیت زیاد، این هدف قابل تحقق نخواهد بود. (بی‌نا، ۱۳۷۸)

۳-۱-۲. تحریم‌های اقتصادی و فشار مضاعف بر تأمین معاش

تحریم‌های خارجی، شرایط اقتصادی را برای مردم دشوار کرده است. در چنین وضعیتی، رشد جمعیت بدون تمهیدات زیرساختی، فشار مضاعفی بر اقشار ضعیف وارد می‌کند.

۳-۱-۳. کاهش کیفیت تربیت فرزندان

باتوجه به مشکلات اقتصادی، والدین برای تأمین هزینه‌ها ناگزیر از اشتغال مضاعف هستند و زمان کافی برای تربیت صحیح فرزندان ندارند.

۳-۱-۴. چالش‌های نظام آموزشی

با افزایش جمعیت، نظام آموزش و پرورش با بحران تأمین نیروی انسانی، زیرساخت و کیفیت مواجه می‌شود. براساس اصل ۳۰ قانون اساسی، آموزش رایگان حق همگان است که در صورت افزایش جمعیت، کیفیت آن دچار آسیب می‌شود.

۳-۱-۵. کاهش مشارکت اجتماعی زنان

دوران بارداری و شیردهی موجب کاهش فعالیت اجتماعی زنان شده و از بهره‌وری نیروی کار کم می‌شود، به‌ویژه در جامعه‌ای که هنوز امکانات کافی برای حمایت از مادران فراهم نشده است.

۳-۱-۶. محرومیت زنان از تحصیل و رشد فردی

با فرزندآوری‌های پی‌درپی، فرصت رشد علمی، حرفه‌ای و استقلال زنان محدود می‌شود.

۳-۱-۷. جواز شرعی عزل

موافقان به استناد برخی روایات که عزل را جایز می‌دانند، معتقدند که اسلام نیز کنترل موالید را پذیرفته است. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵۱/۲۰)

۳-۲. استناد به آیات قرآن

برخی آیات قرآن در نگاه اولیه بر ترجیح نداشتن فرزند زیاد و دوری از تکاثر دلالت دارند: «إنما أموالکم وأولادکم فتنه» (تغابن: ۱۵)؛ این آیه فرزندان و اموال را عامل فتنه و آزمایش می‌داند؛ یعنی،

ممکن است انسان را از یاد خدا غافل کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۸/۳۰۸-۳۰۹). «وتفاخر بینکم وتکاثر فی الأموال والأولاد» (حدید: ۲۰)؛ این آیه افزون طلبی در اموال و اولاد را از نشانه‌های فریب دنیا و غفلت از آخرت دانسته و پیامد آن را عذاب معرفی می‌کند. «لا تلهکم أموالکم ولا أولادکم عن ذکر الله» (منافقون: ۹)؛ این آیه هشدار می‌دهد که اموال و فرزندان نباید انسان را از یاد خدا بازدارند و گرنه زیان کار خواهد بود.

۳-۳. استناد به روایات

-امام علی علیه السلام: «قلة العیال أحد الیسرین؛ کم فرزندی یکی از دو عامل آسایش دانسته شده است». (سید رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۱۳۵)

-امام علی علیه السلام: «کثرة العیال من أعظم البلاء؛ زیاد بودن عیال از بزرگ‌ترین بلاها معرفی شده است». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۸/۱۳)

-پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دعایی برای دشمنانش درخواست زیادی مال و فرزند می‌کند که برخی آن را کنایه از عذاب و گرفتاری دانسته‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۱۸۳)

۴. دیدگاه مخالفان کنترل جمعیت

برخی از اندیشمندان اسلامی و فقهای امامیه با سیاست‌های کنترل جمعیت مخالف هستند. این دسته باتکیه بر متون دینی، روایات اهل بیت علیهم السلام و دلایل عقلی و اجتماعی نه تنها کنترل جمعیت را مخالف با روح شریعت می‌دانند، بلکه بر لزوم افزایش نسل مسلمانان تأکید دارند.

۴-۱. ضرورت‌های افزایش جمعیت

۴-۱-۱. افزایش قدرت و بازدارندگی امت اسلامی

رشد جمعیت مسلمانان، ابزاری برای ایجاد ترس در دل دشمنان اسلام معرفی می‌شود. برای نمونه، برخی معتقدند که افزایش جمعیت فلسطینیان در غزه باوجود مشکلات اقتصادی، زمینه‌ساز مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی شده است. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۵، ص ۱۱۴)

۴-۱-۲. تضمین رزق توسط خداوند متعال

مخالفان براساس آیات متعدد قرآن معتقدند که تأمین روزی بندگان برعهده خداوند است نه والدین. بنابراین، استناد به مشکلات اقتصادی برای محدود کردن فرزندآوری مردود است.

۴-۱-۳. سلامت جسم و روان زنان در فرزندآوری

در برخی منابع فقهی و پزشکی، زایمان، فرآیندی طبیعی و مفید برای توازن جسمی و روحی زنان معرفی شده است. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۵، ص ۱۱۴)

۴-۱-۴. نقش تربیتی و تمدن ساز مادران

افزایش جمعیت، فرصت رشد اجتماعی، تربیت اخلاقی و فرهنگی فرزندان را برای جامعه فراهم می کند و از زن موجودی اثرگذار و مولد می سازد.

۴-۱-۵. منع از عزل در روایات معتبر

برخی روایات به طور صریح، عزل (پرهیز از فرزندآوری) را ناپسند و حتی مکروه شمرده اند، مگر در موارد خاص.

۴-۲. استناد به آیات قرآن کریم

مخالفان کنترل جمعیت بااستناد به آیاتی از قرآن استدلال می کنند که محدودسازی موالید برخلاف سنت الهی در رزق رسانی و توکل است: «و کأین من دابة لا تحمل رزقها الله یرزقها وایاکم؛ خداوند، خود را متکفل روزی همه مخلوقات، اعم از انسان و حیوان می داند» (عنکبوت: ۶۰)؛ آیه «الله لطیف بعباده یرزق من یشاء» (شوری: ۱۹) اشاره به مهر و لطافت خدا نسبت به بندگان و گشایش رزق برای هرکس که بخواهد، دارد؛ آیه «و ما أنفقتم من شیء فهو یخلفه؛ هرآنچه انسان در راه خدا انفاق کند جایگزینی نیکوتر از جانب خدا خواهد داشت» و «إن یكونوا فقراء یغنهم الله؛ فقر نباید مانع ازدواج شود؛ زیرا غنا از جانب خداست» اشاره به ازدواج مقدمه فرزندآوری است. در آیه «ولا یقتلن أولادهن...» خداوند از پیامبر می خواهد از زنان مؤمن بیعت بگیرد که فرزندان خود را

نکشند» (ممتحنه: ۱۲). تفسیر برخی مفسران آن را شامل سقط جنین نیز می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۹/۲۴۲).

۴-۳. استناد به روایات اهل بیت علیهم‌السلام

۴-۳-۱. سفارش به ازدواج با زنان ولود (فرزندآور)

- پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «تزوجوا الولود الودود؛ با زنان بچه‌زا ازدواج کنید؛ زیرا من در قیامت به فزونی شما مباحثات می‌کنم». (نوری، ۱۴۰۹، ۱۴/۱۷۹)

- امام باقر علیه‌السلام: «لاتتزوجوا عقیما؛ حتی زیبایی زن نازا نیز نمی‌تواند مانع این نهی باشد». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۰/۵۴)

۴-۳-۲. نکوهش نازایی در کلام امام صادق علیه‌السلام

نازایی، یکی از عوامل شومی زن معرفی شده است که نشانگر ارزش بالای فرزندآوری است. (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۵۶۸)

۴-۳-۳. ارزش تربیتی و معنوی فرزندان

در روایتی، حضرت یوسف علیه‌السلام به ازدواج تشویق شد تا با فرزندان خود ذکر الهی را در زمین گسترده‌تر کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۳۲۹)

۴-۳-۴. پاسخ امام رضا علیه‌السلام به کسی که به دلیل فقر فرزند نمی‌خواست

امام رضا علیه‌السلام به کسی که به دلیل فقر فرزند نمی‌خواست، نوشت: «از خدا طلب فرزند کن که خداوند روزی آنان را عطا خواهد کرد». (کلینی، ۱۴۰۷، ۶/۳)

۴-۳-۵. نهی از عزل در مورد زنان آزاد

امام صادق علیه‌السلام: «فانی أکره ذلک؛ عزل با زن آزاد بدون رضایت او ناپسند است». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۰/۱۵۱)

۴-۴. بررسی حکم اولیه و رفع تعارض ظاهری میان آیات و روایات

۴-۴-۱. حکم اولیه در فقه امامیه نسبت به مسئله کنترل جمعیت

از بررسی مجموعه آیات و روایات به وضوح برمی آید که در نگاه اولیه، کثرت نسل و افزایش فرزند امری مطلوب و مورد تأکید شارع مقدس است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام همواره بر فرزندآوری، تربیت نسل مؤمن و گسترش جمعیت مسلمانان تأکید کرده‌اند. واژه‌هایی مانند مباحات، افتخار، ولود و برکت، همگی در روایات با فرزندآوری همراه هستند. امر به فرزندآوری در این روایات به طور مطلق واجب شمرده نشده است، بلکه از آن بانام استحباب مؤکد یاد می‌شود؛ یعنی مستحب شرعی که با تأکید و تشویق همراه است، اما ترک آن موجب عقاب نیست. این برداشت، مبتنی بر اصول فقه امامیه مبتنی بر مفاهیمی مانند اوامر ارشادی، مراتب استحباب و نبود قرینه بر وجوب است.

۴-۴-۲. رفع تعارض ظاهری میان آیات و روایات

ممکن است به ظاهر میان برخی آیات و روایات، نوعی تعارض دیده شود، به ویژه آیاتی که فرزندان را فتنه یا سبب غفلت معرفی می‌کنند، اما با تحلیل محتوایی و تفسیر صحیح می‌توان گفت که این آیات ناظر به جنبه آزمایشی فرزند و مال هستند نه نکوهش ذات فرزندآوری. برای نمونه، تعبیر «إنما أموالکم وأولادکم فتنه» (تغابن: ۱۵) به معنای آزمایش و مسئولیت است نه مذمت؛ یعنی این نعمات می‌توانند انسان را از خدا غافل کنند اگر تربیت دینی و اخلاقی نسبت به آنها صورت نگیرد. فرزندآوری به خودی خود امری مثبت است. در روایت پیامبر صلی الله علیه و آله که برای دشمنان، زیادی مال و فرزند را درخواست می‌کند هدف از آن نوعی عذاب دنیوی با گرفتار شدن به مشغولیات مادی است نه اینکه کثرت فرزند امری منفی باشد، بلکه در سیاق دعای پیامبر صلی الله علیه و آله داشتن فرزند بدون هدایت و ایمان موجب گرفتاری است.

۴-۴-۳. پاسخ به اشکالات رایج در تعارض روایات

- اشکال اول: امر به فرزندآوری مربوط به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. برخی ممکن است بگویند توصیه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به فرزندآوری در بافت زمانی خاصی صورت گرفته است که مسلمانان در اقلیت بودند. این توجیه قابل قبول نیست؛ زیرا اول، پیامبر صلی الله علیه و آله توصیه به فرزندآوری را بدون هیچ

قید زمانی و مکانی بیان کرده است؛ دوم، در شرایط کنونی نیز مسلمانان درمقایسه با جمعیت جهانی در اقلیت قرار دارند؛ سوم، مفاهیمی مانند مباحثات در قیامت و افتخار بر امم دیگر، جنبه فرازمانی دارند.

- اشکال دوم: مقصود پیامبر ﷺ تنها فرزندان صالح بوده است. در برخی روایات آمده است که فرزندان صالح کسانی هستند که با ذکر «لا اله الا الله» زمین را سنگین می‌کنند، پس ممکن است گفته شود که داشتن فرزند در صورتی مطلوب است که تضمینی برای صلاح او باشد. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳/۳۸۲)

- پاسخ: اگرچه صلاح فرزند اهمیت دارد، اما تربیت دینی وظیفه والدین است نه نتیجه حتمی. شارع مقدس بر امکان تربیت نسل مؤمن تأکید کرده نه شرط حصول آن. همچنین کم‌کاری نهادهای تربیتی دلیل بر محدودسازی موالید نیست.

- اشکال سوم: نهی از کشتن فرزندان شامل جلوگیری از بارداری نمی‌شود. برخی می‌گویند آیات نهی از قتل اولاد، ناظر به کشتن نوزاد یا سقط جنین هستند نه جلوگیری از بارداری.

- پاسخ: اول، در منابع روایی، عزل که شکلی از پیشگیری است با تعبیر «وَأَدْخَفِي» زنده‌به‌گور کردن پنهان» توصیف شده است (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ۵۰۴/۱۲)؛ دوم، روح حاکم بر متون دینی، تشویق به آوردن فرزند و نکوهش بی‌نسلی است، حتی اگر در قالب پیشگیری از اصل انعقاد نطفه باشد.

- اشکال چهارم: در برخی روایات، کم‌فرزندی ستوده شده است مانند سخن امام علی علیه السلام که فرمود: «قلة العیال أحد الیسرین». (سید رضی، ۱۴۱۴)

- پاسخ: این‌گونه روایات ناظر به شرایط خاصی مانند فقر شدید، ناتوانی از تأمین نیاز فرزندان یا ابتلائات شدید است. از نظر اصولی نمی‌توان این موارد را بر قاعده عمومی رجحان فرزندآوری مقدم داشت، بلکه این احادیث در مقام بیان تسهیل در شرایط اضطرار هستند.

۵. حکم ثانوی و نقش حاکم اسلامی در سیاست‌های جمعیتی

۵-۱. حکم ثانوی در فقه امامیه

احکام شرعی در فقه امامیه به دو دسته حکم اولیه و حکم ثانوی تقسیم می‌شوند. احکام اولیه، همان احکام دائمی و اصلی شرع هستند که بدون در نظر گرفتن شرایط خاص صادر می‌شوند مانند حرمت زنا یا وجوب نماز. حکم ثانوی در پاسخ به شرایط اضطراری، مصالح عمومی یا مفسد احتمالی توسط حاکم شرع و در چارچوب اختیارات ولی فقیه صادر می‌شود. در موضوع کنترل جمعیت نیز هرچند حکم اولیه بر استحباب فرزندآوری دلالت دارد، اما در شرایط خاص مانند بحران‌های اقتصادی، کمبود منابع، تهدیدات زیست‌محیطی یا اختلال در نظم اجتماعی، امکان صدور حکم ثانوی مبنی بر ضرورت یا ترجیح کنترل جمعیت وجود دارد.

۵-۲. مشروعیت صدور حکم ثانوی از سوی ولی فقیه

ولی فقیه که رهبر جامعه اسلامی است بنابر اصل ولایت امر، موظف به حفظ مصالح عمومی، پیشگیری از مفسد و ایجاد نظم و عدالت در جامعه است. بنابر نظریه ولایت فقیه و مبانی فقه سیاسی امامیه در مواردی که مصلحت جامعه اقتضا کند، ولی فقیه می‌تواند دست به صدور احکام حکومتی بزند اگر به طور موقت با ظاهر حکم اولیه تفاوت داشته باشد. بنابر دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه و بسیاری از فقهای معاصر، احکام حکومتی به دلیل حفظ کیان امت اسلامی، مقدم بر احکام فردی و اولیه هستند و وجوب اطاعت از آنها نیز مورد اتفاق علماست. (عمید زنجانی و موسی زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹)

۵-۳. معیار تشخیص ضرورت کنترل جمعیت

نکته مهم در صدور حکم ثانوی، تشخیص ضرورت از سوی حاکم اسلامی است. اگر ولی فقیه با استفاده از نظرات کارشناسی به این نتیجه برسد که افزایش بی‌رویه جمعیت سبب تهدید سلامت جامعه، نابسامانی اقتصادی یا اختلال در نظم اجتماعی می‌شود، می‌تواند به طور موقت و مشروط، سیاست‌های کنترل جمعیت را تجویز یا حتی الزام‌آور کند. براساس قاعده فقهی «الضرورات تبیح

المحظورات» و اصل «قاعده مصلحت» چنین اقداماتی نه تنها جایز، بلکه در مواردی لازم شمرده می‌شود.

۴-۵. آیا اکنون حکم ثانوی فعالی برای کنترل جمعیت صادر شده است

بررسی اسناد رسمی، فرمایشات رهبری و سیاست‌های ابلاغی در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که در شرایط فعلی نه تنها حکم ثانوی الزام‌آوری برای کنترل جمعیت وجود ندارد، بلکه تأکید بر لزوم افزایش جمعیت و هشدار درباره پیری جمعیت از سوی ولی فقیه بارها تکرار شده است. مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳) بر ضرورت افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی تأکید کرده و هشدار داد که ادامه روند فعلی باعث بحران جمعیتی در آینده می‌شود. در چنین شرایطی نه تنها توجیهی برای سیاست‌های محدودکننده وجود ندارد، بلکه استمرار یا تبلیغ برای کاهش جمعیت برخلاف سیاست کلان نظام اسلامی ارزیابی می‌شود.

۵-۵. نتیجه در نسبت حکم اولیه و ثانوی

با در نظر گرفتن جمیع جوانب فقهی، شرعی و حاکمیتی می‌توان چنین نتیجه گرفت که حکم اولیه یعنی، کثرت نسل، مستحب مؤکد و محبوب شرع است مستند به آیات، روایات و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. حکم ثانوی: در صورت ضرورت، ولی فقیه می‌تواند به صورت موقت و مشروط دستور به کنترل جمعیت دهد. وضع فعلی: باتوجه به نبود حکم ثانوی الزام‌آور و تأکید حاکم اسلامی بر افزایش جمعیت، حکم اولیه همچنان جاری و معتبر است.

۶. نتیجه‌گیری

مسئله کنترل جمعیت یکی از مباحث حساس و چندلایه در تقاطع میان فقه، اخلاق، سیاست و اقتصاد است که در سال‌های اخیر به ویژه در جوامع اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر تلاش کرد با رویکردی تحلیلی و مستند به منابع دینی، دیدگاه فقه امامیه را درباره این موضوع بررسی کند. در بررسی مبانی فقهی روشن شد که در حکم اولیه شرعی، افزایش جمعیت و تکثیر نسل امری مطلوب، مستحب مؤکد و محبوب شارع مقدس است. دلایل این امر شامل آیات

متعددی است که به قدرت خدا در رزق دهی اشاره دارند و روایات معتبری که فرزندآوری را منشأ افتخار پیامبر ﷺ، عامل ثبات امت اسلامی، و از مصادیق برکت در زندگی معرفی می‌کنند. دلایل طرفداران کنترل جمعیت مبتنی بر ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی است اگرچه این دلایل در شرایط خاص قابل تأمل است، از نظر فقهی تنها در قالب حکم ثانوی و با تشخیص ولی فقیه مشروعیت می‌یابند و گرنه نمی‌توان به صرف شرایط دشوار، حکم اولیه شرع را کنار گذاشت. آیات و روایاتی که ظاهرشان دلالت بر نکوهش فرزند دارند در حقیقت ناظر به آثار سوء غفلت از وظایف تربیتی والدین هستند نه اینکه ذات فرزند یا کثرت نسل نکوهش شده باشد.

چنین متونی در تفسیر صحیح و باتوجه به سیاق کلی، قابل جمع با روایات مثبت‌اندیش نسبت به فرزندآوری هستند. در فقه امامیه، حاکم اسلامی در شرایط اضطراری و با لحاظ مصالح عمومی، مجاز به صدور حکم ثانوی درباره کنترل جمعیت است، اما باتوجه به وضعیت فعلی جهان اسلام، هشدار نهادهای دینی نسبت به پیروی جمعیت و تأکیدات ولی فقیه بر افزایش فرزندآوری روشن است که هیچ حکم ثانوی فعالی برای محدودیت جمعیت از سوی حاکم اسلامی صادر نشده است. بنابراین، از نظر فقه امامیه در شرایط فعلی، حکم اولیه همچنان معتبر است و باید در سیاست‌گذاری‌ها و تبلیغات اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. هرگونه تلاش برای تضعیف گرایش به فرزندآوری نه تنها مبنای فقهی ندارد، بلکه ممکن است با خط مشی دینی و ملی جمهوری اسلامی ایران نیز در تضاد باشد.

فهرست منابع

- * نهج البلاغه (۱۴۱۴). گردآورنده: شریف رضی. مترجم: فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی. قم: مؤسسه نهج البلاغه.
- * الصحیفه السجادیه (۱۴۱۸). مترجم: غروی، محسن. قم: دفتر نشر الهادی.
- ۱. بی‌نا (۱۳۷۸). از کنترل رشد بی‌رویه جمعیت چه خبر. نشریه گزارش، (۹۹۰)، ۳۷-۳۸.
- ۲. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- ۳. حسینی تهرانی، سید محمدحسین (۱۴۲۵). رساله نکاحیه (کاهش جمعیت ضربه‌ای سنگین بر پیکر مسلمین). مشهد: علامه طباطبائی.

۴. خانی، علی‌رضا (۱۳۷۷). نگاهی به عوامل جامعه‌شناختی رشد جمعیت در ایران. نشریه اقتصاد (اطلاعات سیاسی اقتصادی)، (۱۳۹ و ۱۳۰)، ۱۹۷-۱۹۰.
۵. خرازی، سید محسن (۱۳۷۹). کنترل جمعیت و عقیم‌سازی. نشریه فقه اهل بیت، (۲۲)، ۳۱-۵۸.
۶. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۳). معجم رجال الحديث و طبقات الرواه. لبنان: منشورات مدینه العلم.
۷. صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۸. طباطبائی، سید محمدحسن (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۹. عمید زنجانی، عباسعلی، و موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۸۸). بایسته‌های فقه سیاسی. تهران: انتشارات مجد.
۱۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و اصلاحات و تغییرات و متمیم مصوب ۱۳۶۸ (۱۳۹۰). تدوین جهانگیر منصور. تهران: نشر دوران.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۲. محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۳. محمد بن محمد اشعت (بی‌تا). الجعفریات. تهران: مکتبه نینوی.
۱۴. محمد رضا، حکیمه (۱۳۳۶). الحیاه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳). المقنیه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۱۶. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت علیه السلام.